

# **Global mega trends and Caspian Sea; Expansion and Developments**

**Mehrdad Halalkhor**

Ph.D. North American Studies, University of Tehran, Tehran, Iran,  
mehrdad\_tiara@yahoo.com

**Arash Saeedi Rad**

MA, Regional Studies, Yazd University, Iran, saiedi1arash@gmail.com

## **Abstract**

Caspian Sea is in a trends of evolution which, change its position from a land locked sea to one of the most important Geo Economical points in the worlds. Facts on the Ground Show us, that, China's unfold demands to energy and its policy to diversify the Suppliers in addition to the One Road, One Belt grand project, made the Caspian Sea an in substitutable geo economical place for china's Global plans. Russia's traditional hegemony in the Caspian Sea region and its monopoly on the Gas supply to EU had facing so many threat, if Russia don't work well in this region. So, Caspian Sea gain weight in the Russia's eyes. U.S foreign policy in this region, which contain three major worlds controversial power for American national interests, Iran, Russia and china, is based on the containment and engagement simultaneously. Iran as regional power also has its trends of influences in this region. All of these trends are following the geo economical rules. In fact, economy is shaping the competitions and cooperation in the Caspian region, which made this region a Greater region with the expanded effects on the worlds politics and economics.

**Key words:** Geo-economics, Caspian Sea, Iran, Russia, China

# روندهای کلان جهانی؛ تحول و گسترش ژئواکونومیک دریای خزر

مهرداد حلالخور

دکتری مطالعات آمریکای شمالی، دانشگاه تهران، ایران. mehrdad\_tiara@yahoo.com

آرش سعیدی راد

دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه یزد، ایران. saiedi1arash@gmail.com

## چکیده

دریای خزر با گذار از نقش سنتی خود به عنوان یک دریای بسته و محاصره شده در خشکی در حال تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین کانون‌های ژئواکونومیکی دنیا؛ در یک جغرافیای گسترده‌تر است. به منظور تبیین این فرض؛ نظریه ژئواکونومی انتخاب شد تا با در نظر گرفتن محوریت دولت‌ها، به نزاع اقتصادی آنها؛ با ابزارهای اقتصادی در منطقه خزر توجه شود. حال این پرسش مطرح است «چه روندهای ژئواکونومیکی باعث تغییر در جایگاه سنتی دریای خزر و ارتقاء آن شده است». برای پاسخ به این سؤال داده‌های لازم به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری و بر اساس روش تحلیلی-تبیینی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قدرت‌گیری چین در منطقه و تلاش ایالات متحده آمریکا برای ممانعت از این روند؛ مهار روسیه و تأکید آمریکا بر تحت فشار قرار دادن اقتصاد این کشور از طرق تجاری؛ نظیر تحریم و انحصارزدایی و مهار هژمونی یابی احتمالی ایران در منطقه دریای خزر شواهدی بر تأیید فرض تحول جایگاه دریای خزر بر مبنای معادلات ژئواکونومیک بوده‌اند.

**واژگان کلیدی:** ژئواکونومی، دریای خزر، آمریکا، روسیه، چین، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۸ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

## ۱. مقدمه

حوزه خزر، یکی از مناطق حائز اهمیت جهان است که به دلیل ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی و ... می‌توان از آن به عنوان یک منطقه خاص و تأثیرگذار یاد کرد (طباطبائی و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۱۴). در واقع برخلاف تعبیر اولیه اندیشمندان و کارشناسان روابط بین‌الملل که معتقدند، اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه خزر<sup>۱</sup> به پنج کشور حاشیه آن برمی‌گردد؛ اما امروزه بیشتر کارشناسان و صاحب‌نظران این منطقه را به دلیل تحولات یک دهه اخیر در سیاست و اقتصاد بین‌المللی و نیز به دلایل ژئواکونومیکی بر این باور هستند که منطقه خزر از اهمیت بالایی برخوردار شده است. چرا که در حال حاضر در مسیر شکل‌گیری یک نظم ژئواکونومیک جدید در منطقه دریای خزر و کشورهای اطراف آن هستیم. مهم‌ترین مؤلفه‌های که اهمیت منطقه چندبرابر کرده است، عبارت‌اند از: چندبرابر شدن افزایش نیازها به انرژی، قدرتمندتر شدن چین به نسبت گذشته، رونمایی از طرح یک کمربند یک جاده<sup>۲</sup> تلاش روس‌ها برای حفظ انحصار گازی خود و در نهایت تلاش آمریکا هم برای حفظ جایگاه ابر قدرتی خود. بنابراین این مسیر تحولات و راهبردها نشان می‌دهد که در منطقه خزر یک محیط جدید در حال شکل‌گیری است و البته با منطق ژئواکونومیک از ارزش بالایی برخوردار هستند (قادری و نصرتی، ۱۳۹۱: ۶۸).

ارزش بالای ژئواکونومیک منطقه خزر و منافع متضاد و متعارض قدرتهای اصلی جهانی در این منطقه جغرافیایی؛ در سال‌های اخیر اهمیت رو به تزایدی داشته است.

---

1 Caspian Sea region

2 One road One Belt

افزایش تنش‌های جهانی ناشی از قدرت‌گیری اقتصادی چین و افزایش نیازهای انرژی این کشور و اهمیت یافتن بیشتر دسترس شرق به غرب در کنار تضعیف تدریجی نقش رهبری آمریکا در موضوعات سیاست جهانی و جدایی تدریجی اتحادیه اروپا از آمریکا بر اساس تمایلات مستقلانه اعضای این اتحادیه؛ منجر شده است تا نبردی با ماهیت و منافع اقتصادی در کشورهای منطقه خزر در حال شکل‌گیری باشد. بنیاد این پژوهش بر این سؤال مطرح است: «روندها و جریاناتی که مبنای این تحول ژئواکونومیک در منطقه خزر است چه مسائلی هستند؟ و منافع هر یک از این بازیگران چه حوزه‌هایی را شامل می‌شود؟». فرضیه تحقیق این است که بر اساس آنچه تاکنون در این منطقه شکل گرفته است و نیز در کنار دورنمای رقابت‌های ژئواکونومیک پیش‌رو شاهد یک منطقه خزر بسیار پرنوسان و گسترده‌تر شده نسبت گذشته و حال خواهیم بود. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-تبیینی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی به تبیین «روندهای کلان جهانی؛ تحول و گسترش ژئواکونومیک دریای خزر» می‌پردازد. از این رو ابتدا مفهوم اساسی و مبنایی این پژوهش ژئواکونومیک بیان می‌شود و پس از آن تلاش می‌شود تا جریان‌های اساسی شکل دهی به منطقه ژئواکونومیک گسترده‌تر خزر مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

## ۲. پیشینه پژوهش

در حوزه دریای خزر مطالعات بسیاری صورت گرفته است ولی تحقیقات مربوط به روندهای کلان جهانی؛ تحول و گسترش ژئواکونومیک دریای خزر صورت نگرفته است و حتی به صورت کلی و پراکنده نیز به ندرت به این موضوع پرداخته شده است و این خود مهمترین دلیل برای نگارش این تحقیق است. اما در مجموع واکاوی پیشینه‌ی تحقیق در باب روند کلان جهانی، تحول و گسترش ژئواکونومیک نشان می‌دهد که مجموع آثار نگاشته شده پیرامون این مسئله در میان منابع فارسی تا حدودی اندک می‌باشد. از همین رو، با بررسی متون خارجی، پیشینه در دو بخش آثار داخلی و خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

محسن شریعتی نیا (۱۳۹۹) در مقاله‌ی با عنوان «آثار اجرایی شدن ابتکار کمربند و راه بر محیط ژئواکونومیک ایران» به تبیین آثار اجرایی شدن ابتکار کمربند

و راه بر لایه منطقه‌ای محیط ژئواکونومیک ایران پرداخته است. یافته‌های مقاله نشان از تأثیرات چندگانه اجرایی شدن این طرح کلان بر محیط ژئواکونومیک ایران دارد. در ضلع شمالی اجرایی شدن راه گذرهای شرقی-غربی می‌تواند به تضعیف مزیت نسبی ایران به عنوان حلقه و صل کننده اقتصادهای آسیای مرکزی به اقتصاد جهانی منجر شود و از دیگر سو با توسعه زیرساخت‌های نرم و سخت همگرایی منطقه‌ای، فرصت‌های جدیدی برای ایران ایجاد نماید. در ضلع شرقی محیط ژئواکونومیک ایران، کاهش موانع ساختاری توسعه اقتصادی پاکستان را می‌توان به مثابه فرصتی جدید برشمرد. علی اکبر جعفری و ماری ملکی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ی با عنوان «منابع انرژی و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در دریای خزر» و با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به این موضوع پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برای آمریکا و متحدان استراتژیک آن علاوه بر منابع انرژی، انتقال مسیر حمل‌ونقل انرژی ورای قلمرو روسیه و ایران حائز اهمیت است. چین و روسیه گرچه در حوزه‌ی خزر هم شریک و هم رقیب هم محسوب می‌شوند اما منافع مشترک آنها موجب کاهش نفوذ آمریکا و متحدان استراتژیک آن شده است.

بایراموف (۲۰۲۰)، در مقاله‌ی تحت عنوان «درگیری، همکاری یا رقابت در منطقه دریای خزر: بررسی انتقادی پارادایم بازی بزرگ جدید» به بررسی انتقادی تصویر بازی بزرگ جدید از منطقه دریای خزر و مفروضات، مفاهیم و مکانیسم‌ها (حول محور بازیگران، اهداف و انگیزه‌ها) پرداخته است. به طور خاص، این مقاله استدلال می‌کند که ادبیات بازی بزرگ جدید به دلیل نادیده گرفتن و درک نادرست تفاوت‌های تاریخی، مادی، سیاسی، اقتصادی و هنجاری در منطقه دریای خزر، بحث‌های غیرسیستماتیک و سطحی را ترویج می‌کند. کریستینا لین (۲۰۱۷) در مقاله‌ی تحت عنوان «کمر بند و جاده و چشم‌اندازهای بلندمدت چین در خاورمیانه» و با استفاده از روش تحلیل-نهادی به این موضوع پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، چین به طور قابل توجهی دید سیاسی خود را در خاورمیانه افزایش داده است. چین تلاش‌های دیپلماتیک بی‌سابقه‌ای در درگیری‌های سوریه انجام داد و شروع به ساخت اولین پایگاه نظامی خود کرد. در واقع مهم‌ترین ابتکار استراتژیک «شی جین پینگ» در طول ریاست جمهوری، ایجاد ارتباط اقتصادی بیش از ۶۰ کشور در سراسر منطقه آفریقا-اوراسیا است که با ابتکار بلندپروازانه «یک کمر بند، یک جاده» به دنبال احیای جاده ابریشم باستانی همراه با جاده ابریشم دریایی، در خزر و خاورمیانه است. پل کوبیک (۲۰۱۳) در مقاله‌ی با

عنوان «سیاست انرژی و رقابت ژئوپلیتیکی در حوزه خزر» به بررسی رقابت ژئوپلیتیکی در حوضه خزر پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رقابت ژئوپلیتیکی در دریای خزر به میزان زیادی ناشی از تمایل به کنترل و بهره برداری از منابع انرژی به ویژه روسیه، چین و ایالات متحده است. این در حالی است که بازیگران خارجی نقش مهمی در منطقه ایفا می‌کنند و دولت‌های محلی بازیگران منفعل نیستند. آنها در بسیاری از موارد موفق شده‌اند از «کثرت‌گرایی ژئوپلیتیکی» رقابت قدرت‌های بزرگ برای به دست آوردن فضایی برای مانور استفاده کنند.

در تحقیقات مذکور به طور جامع به روندهای کلان جهانی؛ تحول و گسترش ژئواکونومیک دریای خزر پرداخته است. بنابراین با بررسی این آثار، نقطه افتراق این مقاله با آثار نام‌برده در این است که این مقاله الگوی نظری جدید روندهای کلان جهانی؛ تحول و گسترش ژئواکونومیک دریای خزر را بررسی خواهد کرد. در واقع به تحول و گسترش ژئواکونومیک دریای خزر صورت نگرفته است و این مطلب دارای اهمیت بسیاری می‌باشد؛ چرا که دریای خزر به عنوان یکی از مناطق مهم استراتژیک در جهان شناخته می‌شود.

### ۳. چارچوب نظری

پیوند بین اقتصاد و سیاست به صورت عام و در سیاست خارجی به صورت خاص؛ همواره ناگسستنی و عمیق بوده است. اما پس از فروپاشی شوروی؛ برخی از اندیشمندان را بر آن داشت تا مفاهیمی فراتر از مفاهیم پیشین سیاست بین‌الملل و رقابت‌های ژئوپلیتیکی را در چارچوب آن را توصیف کنند. لیتواک<sup>۱</sup> یکی از اندیشمندانی بوده است که پس از فروپاشی شوروی با انتشار یادداشتی؛ این تغییر ماهیت در سیاست بین‌الملل را خاطر نشان شد و بیان کرد که در آینده؛ ماهیت اصلی روابط بین‌الملل ژئوپلیتیک نخواهد بود چراکه اصولاً قدرت جهانی در اندازه شوروی وجود ندارد، بلکه رقابت‌های آتی در منطق ژئواکونومیک رخ خواهد داد که در آن؛ رقابت و نزاع در حوزه اقتصاد از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. در این خصوص او بیان داشت که ژئواکونومیک عبارت است از ترکیبی از منطق منازعه با ابزار تجاری یا همانگونه که کلازویتس<sup>۲</sup> بیان می‌داشته است منطق جنگ؛ اما این بار

1 Luttwak

2 Clausewitz

با ابزار تجارت (Luttwak, 1999: 180). در واقع ژئواکونومیک از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است.

به عبارتی با ظهور عصر ژئواکونومیک، کانون و مسیرهای تجاری پیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است و مفهومی است که ورود موضوع اقتصادی را به صحنه جهانی، به ویژه به لحاظ انگیزه سودگرایی تأیید می‌کند. به عنوان پدیده‌ای سیال و جهت پوشش دادن به فضای جدید رقابتی در نظام جهانی و روشی برای توجیه و تحلیل سیاست‌های جهانی اکثر قدرت‌ها تبدیل شده است. و سایل و علل مناقشه ماهیت اقتصادی پیدا می‌کند. بنابراین امروزه اقتصاد به عنوان یکی از عوامل قدرت است و منافع سیاسی کشورها تابع منافع اقتصادی آنها در نظر گرفته می‌شود.

براین اساس باید یک تفاوت اساسی بین نظریه ژئواکونومی و منطق‌های؛ واقع‌گرا؛ مارکسیستی و لیبرال روابط بین‌الملل قائل شد. رویکردی واقع‌گرا در رابطه با جایگاه مسائل اقتصادی در روابط بین‌الملل دیدگاه‌ها و فرضیه‌های مشترکی با سنت مرکانتیلیستی، ناسیونالیسم اقتصادی و طرفداران اقتصاد کینزی دارند. آن‌ها معتقدند که کشورها برای افزایش توان و قدرت ملی خود در عرصه اقتصاد جهانی به رقابت می‌پردازند. اما در این رقابت همواره امور نظامی از اهمیت و برتری برخوردار است و اصولاً مجموعه روابط بر پایه امور نظامی استوار است و اقتصاد نقشی حاشیه‌ای دارد. در نظریات مارکسیستی، مهم‌ترین بازیگران دولت‌ها نیستند بلکه طبقات اجتماعی هستند که رفتار سایر بازیگران از جمله دولت‌ها، شرکت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را نیز مشخص می‌سازند. نظریه‌های مارکسیستی، سیاست جهانی را عرصه تعارض طبقات و نظم حاکم بر آن را بر پایه مسائل اقتصادی و رابطه مرکز-پیرامونی تعریف می‌کنند. از نظر آن‌ها، تأکید بر اهمیت اقتصاد نه به خاطر جایگاه والای آن در سیاست خارجی و تأمین منافع دولت‌ها، بلکه به دلیل کارکرد اقتصاد به عنوان زیربنای روابط بین طبقات اجتماعی در ایجاد تحولات سیاسی در جامعه است (داداندیش، ۱۳۸۶: ۷۹). در نظریات لیبرال و نئولیبرال نیز با فرض گرفتن نقش بالا برای بازیگران بین‌الملل غیردولتی در کنار دولت‌ها در حوزه اقتصاد؛ قائل به نقش آفرینی همکاری جوانه و همگرایانه بین بازیگران بین‌المللی هستیم و کماکان مفاهیمی مانند مزیت نسبی از اهمیت بالایی برخوردار است. در نظریات لیبرال تأکید بر اقتصاد بازار، در باره روابط بین دولت‌ها معتقد به امکان همکاری و ایجاد

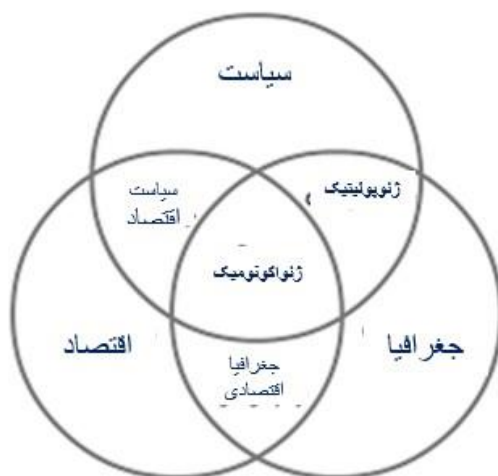
وابستگی‌های متقابل اقتصادی هستند؛ و نقش نهادهای بین‌المللی و رژیم‌ها را در این زمینه بسیار مهم می‌دانند (Keohane and Nye, 2001: 22-23).

اما در نظریات ژئواکونومیک برخلاف نظریات گذشته، کماکان ماهیت روابط بین‌الملل دولت محورانه و واقع‌گرایانه ارزیابی می‌شوند و تفاوت در این است که در حالی که در دوران پیشین برتری با مفاهیم نظامی و راهبردی یا همان ژئوپلیتیک بود در ژئواکونومی تنها علت‌ها و روش‌های مبارزه در منطقه‌های اقتصادی و تجاری تعریف می‌شوند. در واقع در این برداشت از ژئواکونومی؛ علت‌ها و ابزارهای تعارض از منطقه نظامی به منطقه اقتصادی منتقل می‌شود و دنیا کماکان دولت محور؛ متعارض<sup>۱</sup> و مبتنی بر سیاست بین‌الملل اداره خواهد شد. بنابراین در چارچوب تحلیل ژئواکونومی علت منازعات بین دولتی ماهیتی اقتصادی و تجاری دارد مانند حفظ برتری اقتصادی در منطقه‌ای خاص؛ استفاده از امتیازی متحصر به فرد... و این علت‌ها با ابزارهای تجاری و اقتصادی نظیر ایجاد محدودیت برای واردات یا صادرات، اختصاص کم و بیش یارانه پنهان به صادرات، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مربوط به فناوری‌های رقابتی و... نیز حل و فصل می‌شود. ژئواکونومی در واقع مسئله امنیت را بلکه اصلی می‌داند ولی تعریف آن از امنیت تنها سیاسی یا نظامی امنیتی نیست بلکه اقتصادی هست (James, 2013). بنابراین ژئواکونومیک مفهومی است که ورود موضوع اقتصادی را به صحنه جهانی، به ویژه به لحاظ انگیزه سودگرایی تأیید می‌کند. به همین دلیل است که کارشناسان معتقدند در عصر ژئواکونومیک مناقشات ماهیت اقتصادی پیدا می‌کنند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۷).

به نظر می‌رسد که نمودار زیر بتوانند تا حدودی مفهوم ژئواکونومی و همپوشانی‌های آن را با سایر منطقه‌ها بیان کند.



نمودار-۱: اندرکنش‌های مفهومی ژئواکونومی با حوزه‌های مرتبط



#### ۴. یافته‌های پژوهش

در کانونی شدن ژئواکونومی در دریای خزر؛ به نظر می‌رسد که چند روند جهانی باهم در حال شکل‌گیری و اندرکنش هستند. این روندها در چارچوب ژئواکونومی و با ماهیت رقابت‌های اقتصادی در بازه جغرافیایی خزر منجر به گسترش اهمیت این منطقه در پهنه سیاست و اقتصاد بین‌الملل شده‌اند:

##### ۱-۴. چین: راه ابریشم و نفت

اولین روند جهانی که بر اهمیت ژئواکونومیک دریای خزر افزوده است، روند قدرت‌گیری جهانی چین و نیاز این کشور به انرژی است. چین با رشد سرسام‌آور خود نیاز سیری‌ناپذیر و روزافزون به انرژی داشته و دارد. براساس آمار سازمان جهانی انرژی مصرف گاز طبیعی در این کشور در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۱۹۹۰ بیش از ۱۸ برابر شده است و مصرف نفت نیز در این کشور بیش از ۶ برابر شده است (iea.org, 2020)، ولی از دید چین حضور و نفوذ آمریکا در این منطقه در نهایت

#### 1 Interaction

۲ اصولاً برنامه آمریکا برای حضور بلندمدت در خاورمیانه همین تسلط بر منابع فسیلی است.

امنیت تأمین انرژی برای این کشور را با مشکل مواجه خواهد کرد (Leverett and Bader, 2005). لذا متنوع سازی منابع تأمین انرژی برای این کشور یک اصل مسلم و غیر قابل خدشه است (The Diplomat.com, 2017). براین اساس، چین علاوه بر تلاش برای مشارکت بیشتر در منطقه خاورمیانه به منظور امنیت بخشی بیشتر به جریان انرژی این منطقه به سوی خود؛ متنوع سازی را همواره در دستور کار خود داشته‌اند.

با کشف منابع گازی و نفتی در دریای خزر، این منطقه به یک منبع جدید برای متنوع سازی منابع انرژی چین تبدیل شد. نکته مهم این است که در این رابطه دیگر آمریکا نیز چندان تهدید کننده جریان آزاد انرژی از دریای خزر به سوی چین نخواهد بود. از طرف دیگر چینی‌ها می‌توانند با سرمایه گذاری گسترده در منطقه نفت و گاز ترکمنستان و قزاقستان حضور بیشتری در منطقه پیدا کنند. شرکت‌های چینی هم‌اکنون بیش از ۵۰ درصد کارخانه‌های بزرگ پالایش نفت در شهر شیمکنت و شمار زیادی از جایگاه‌های فروش بنزین در قزاقستان را صاحب شده‌اند. ساخت خط لوله نفت از «آتاسو» قزاقستان به «آلاشانکاو» چین نیز به پایان رسیده است (p.dw.com, 2013).

چین در سال ۲۰۱۶ بیش از ۷۷٪ از مشتقات نفتی خود را توسط خط لوله ۲۲۷۸ مایلی آسیای میانه از طریق ترکمنستان وارد کرده است و این در شرایطی است که ایران و روسیه نیز به عنوان دو تولید کننده اصلی این محصولات در دنیا وجود داشته‌اند. این مسئله بخش مهمی از بودجه ترکمنستان را از طریق چین تأمین می‌کند که در کنار سرمایه گذاری‌های گسترده و چند میلیارد دلاری چین در اکتشاف منابع جدید در ترکمنستان مسئله را از اهمیت خاصی برخوردار خواهد کرد. برای مثال چین در سال ۲۰۰۹ مبلغ ۳ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۱ مبلغ ۴ میلیارد دیگر در صنعت نفت و گاز ترکمنستان سرمایه گذاری کرده است (Dovletgeldi, Dao Wen, 2019).

دومین مسئله‌ای که سیاست چین در دریای خزر را به شدت ژئواکونومیک می‌کند مسئله‌ای به مراتب مهمتر و کلان‌تر از تأمین امنیت انرژی و متنوع سازی منابع انرژی است. «ابتکار یک کمربند یک جاده» یکی از طرح‌های عمده در دوره پنج ساله گذشته شی جین پینگ «ابتکار یک کمربند یک جاده» بوده است که

عمدتاً در نتیجه استراتژی «حرکت به سمت غرب»<sup>۱</sup> بوده است. استراتژی حرکت به سمت غرب اساساً به این دلیل بوده است که با توجه به افزایش حضور آمریکا در شرق آسیا و احتمال افزایش رقابت‌ها چین خواهان افزایش حضور خود در مناطق غربی خود بوده است (Yun, 2013). در «ابتکار یک کمربند یک جاده» منطقه آسیای مرکزی و منطقه خزر مهمترین منطقه اتصال چین به اروپا است. در طرح «یک کمربند یک جاده» چین مسیرهایی را برای دسترسی به اروپا تعیین کرده است که یکی از مهمترین و تعیین کننده‌ترین آنها از طریق دریای خزر خواهد بود.

بر همین اساس سندی که در سال ۲۰۱۵ در خصوص ابتکار «کمربند، جاده» از سوی چین منتشر شده است سه بخش را مطرح کرده است. اولین بخش، چارچوب مفهومی در خصوص پیوند سرزمینی از طریق کریدورهای حمل و نقل است. بخش دوم، دربرگیرنده پنج منطقه همکاری عمده همچون هماهنگی «ابتکار یک کمربند یک جاده» با طرح‌های توسعه ملی است، و بخش سوم معرفی شبکه مکانیسم‌های همکاری است که در آن علاوه بر بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی یا «صندوق راه ابریشم»<sup>۲</sup> از سازمان همکاری شانگهای نیز نام برده شده است (Lin, 2017: 3). در این طرح‌ها و نقشه‌های چینی برای حضور بیشتر در منطقه آسیای مرکزی منطقه خزر از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است. چراکه طرح مطرح شده از سوی چین موجب افزایش نفوذ این کشور در مناطق منطقه نفوذ روسیه می‌شود که چندان باب طبع روسیه نیست. به عنوان مثال، مسکو در خصوص «بانک منطقه‌ای» شرایطی را مطرح کرد که می‌دانست پکن آنها را نمی‌پذیرد. روسیه از چین درخواست کرد که به «بانک توسعه اوراسیا»<sup>۳</sup> بپیوندد، که در آلمانی قرار دارد و مسکو ۶۵/۷ درصد از موجودی آن را دارد (Gabuev, 2017). چین با وجود فشار غرب در سالیان اخیر اتخاذ رویکرد «حرکت به سمت آسیا» با همکاری روسیه را در پیش گرفت. در واقع دو کشور در سال ۲۰۱۴ موافقت نامه «مشارکت جامع استراتژیک» امضاء کردند، اما به مرور نگرانی‌های روسیه نسبت به افزایش نفوذ چین در کشورهای آسیای مرکزی نیز بیشتر شده است. در واقع، سیاست خارجی نوین چین نیز که به دنبال افزایش حضور خود به ویژه در منطقه اقتصادی در کشورهای خارج نزدیک روسیه است می‌تواند موجب کاهش نفوذ روسیه در این کشورها شود. این افزایش

1 March to west

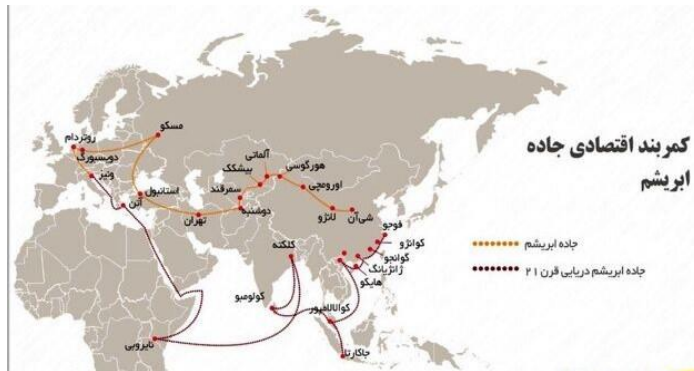
2 Silk Road Fund

3 Eurasian development bank

نگرانی‌ها خود را در روابط دو کشور در چارچوب سازمان همکاری شانگهای نیز نشان داده است. مخالفت روسیه با طرح‌های چین همچون تأسیس بانک اقتصادی زیرمجموعه سازمان و یا تلاش مسکو برای عضویت دائمی هند در سازمان را می‌توان در همین راستا مورد ارزیابی قرار داد.

این رقابت ژئواکونومیک بین روسیه و چین در منطقه آسیای مرکزی، چین را به سوی توجه و تمرکز حداکثری در منطقه خزر سوق داده است. چراکه با در نظر گرفتن ماهیت رقابت آمیز همکاری‌های چین و روسیه در منطقه مورد نظر؛ راه جایگزین خزر از طریق قزاقستان به آذربایجان و از آن کشور به گرجستان و در نهایت دریای سیاه مسیر ممکن تری برای چین خواهد بود. مسیر جایگزین بعدی از ایران به ترکیه و در نهایت دریای سیاه و اروپا خواهد بود که با تبعیتی که چین از تحریم‌های آمریکا علیه ایران نشان می‌دهد بسیار تابع مناسبات ایران و آمریکا است و به اندازه مسیر قزاقستان به آذربایجان؛ گرجستان و در نهایت اروپا قابل دسترس نیست. نقشه زیر جایگاه دریای خزر را در مناسبات جهانی طرح چینی یک کمر بند یک راه به نمایش می‌گذارد. بنابراین اولین روند ژئواکونومیکی در دریای خزر براساس ترجیحات اقتصادی چین قابل بررسی است.

نقشه-۲: راه ابریشم چین و مسیرهای مرتبط



-خط ممتد سرزمینی: جاده ابریشم زمینی نوین - خط ممتد دریایی: جاده ابریشم دریایی نوین (ارغوانی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۲۱)

#### ۲-۴. روسیه رقابت نفتی

دومین روند ژئواکونومیکی در دریای خزر را می‌توان با ملاحظات اقتصادی روسیه ارزیابی کرد. ملاحظات اقتصادی روسیه بیش از هر عامل دیگری تحت تمایل این کشور برای در اختیار داشتن انحصار صادرات گاز به اروپا است که همواره برای این کشور اهمی برای فشار بر اروپا بوده است. همانطور که ذکر شد کشورهای حوضه خزر بخصوص قزاقستان با ۱۰۴ میلیارد فوت مکعب، ترکمنستان با ۱۹ میلیارد فوت مکعب و آذربایجان با ۵۱ میلیارد فوت مکعب گاز منابع بالقوه بسیار قوی برای تأمین گاز اروپا هستند. گاز استخراج شده؛ هم می‌تواند به صورت مایع و هم می‌تواند از طریق لوله از دریای خزر به آذربایجان و سپس گرجستان و در نهایت به دریای سیاه و اروپا انتقال پیدا کند و مانع جدی برای انحصار روسیه در اروپا ایجاد کند. تاکنون هیچ کشوری نیز نتوانسته است تا از آسیای میانه و کشورهای منطقه خزر گاز را با خط لوله خارج کند و تنها کمپانی گازپروم روسیه از این حق انحصاری برخوردار بوده است (Astakhova and Soldatkin, 2020).

روسیه در راستای حفظ این انحصار، در منطقه خزر تاکنون توانسته است تلاش‌های آمریکا و ترکیه را برای احداث خط لوله ترانس-خزر که از اواسط ۱۹۹۰

شروع شده است و هدف آن نیز انتقال گاز از کشور ترکمنستان به آذربایجان بوده است را عقیم سازد.<sup>۲</sup> این تلاش‌های روسیه برای ناکام کردن طرح ترکیه و آمریکا با استدلال‌های حقوقی و محیط زیستی همراه بوده است. در این خصوص روسیه به ترکیه پیشنهاد داد تا بجای ایجاد خط لوله از دریای خزر با استفاده از ظرفیت دریای سیاه از روسیه گاز طبیعی بخرد که این طرح از سال ۲۰۰۲ اجرایی شده است. از طرف دیگر روسیه و ایران در انقال از راه دریای خزر هم با اختلافاتی روبرو هستند. لذا مسئله اصلی روسیه در این خصوص که دریای خزر نتواند مبنای صادرات گاز کشورهای حاشیه آن و نیز آسیای مرکزی به اروپا باشد نیز تا کنون موفق بوده است. در خصوص نفت نیز روسیه ملاحظاتی نظیر آنچه در خصوص ایجاد انحصار برای تأمین گاز اروپا دارد؛ را در نظر دارد. در حال حاضر کمپانی‌های اکسون موبایل و شون در آسیای میانه<sup>۳</sup> به خصوص کشورهای قزاقستان و ترکمنستان فعال شده‌اند ولی تمام تولیدات خود را نهایتاً با تانکر از طریق دریای خزر به کشور آذربایجان می‌رسانند و تاکنون موفق به احداث خط لوله یا ایجاد مسیری که از دریای خزر کمک گرفته باشد نشدند. روسیه تاکنون با اعمال سیاست‌های گسترده حفظ انحصار خود را به عنوان یگانه کشوری معرفی کرده است که بتواند از کشورهای آسیای میانه نفت را با خطوط لوله خارج کند. از طرف دیگر روس‌ها توانستند تا بندر ماخاچکالا<sup>۴</sup> در مرکز ایالت داغستان خود را به هاب خرید نفت از کشورهای منطقه خزر مانند

۱ روسیه تا سال ۲۰۱۰ بزرگترین واردکننده گاز ترکمنستان بود. واردات گاز از ترکمنستان با نرخ نسبتاً پایین، صادرات گاز روسیه به اروپا را با قیمت‌های بسیار سودآور تسهیل کرده است. با این وجود، ممکن است انحصار روسیه در زمینه صادرات انرژی به اروپا از طریق خط لوله انتقال گاز ترانس-خزر شکسته شود. بنابراین، هم ایران و هم روسیه تقریباً دو دهه است که با این پروژه مخالفت جدی دارند.

۲ خط لوله ترانس خزر، بیش از ۱۰ سال پیش با حمایت آمریکا، به عنوان رقیبی برای مسیر ایران و روسیه مطرح شد که بر اساس آن، بخشی از گاز ترکمنستان و کشورهای آسیای مرکزی از بستر دریای خزر به اروپا منتقل خواهد شد. طول این خط لوله گاز حدود ۲ هزار کیلومتر است و در صورت اجرا باید از عمق حدود ۳۰۰ متری دریای خزر عبور کند. این خط لوله در واقع قسمتی از خط لوله انتقال گاز «ناباکو» است که از حمایت اتحادیه اروپا و آمریکا برخوردار است. شورای اروپا شهریور ماه گذشته به کمیسیون انرژی این اتحادیه اجازه آغاز مذاکرات سه‌جانبه با عشق‌آباد و باکو برای امضای توافقنامه‌ای به منظور اجرای این طرح را داد و دولت آمریکا نیز حمایت خود را از این طرح و اصل تنوع‌بخشی به صدور حامل‌های انرژی ترکمنستان اعلام کرد (iras,2010).

3 ExxonMobil and Chevron in Central Asia

4 Makhachkala

قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان تبدیل کنند. در این خصوص باید گفت که مزیت کمپانی روس نفت برای انجام چنین اقدامی داشتن خط لوله انتقال نفت از این بندر ساحلی خزر در روسیه بوده است. در واقع بندر ماخاچکلا به دلیل داشتن خطوط انتقال نفت؛ توانسته است تا در سال ۲۰۱۸ خرید نفت خود را از کشورهای حاشیه خزر به میزان ۲۰٪ افزایش دهد و از طرف دیگر این میزان در سال ۲۰۱۹ نیز افزایش ۱۰۰٪ را در خرید نفت از کشورهای منطقه خزر داشته است. در واقع بازی انحصار روسیه به گونه‌ای چیده شده است که کشورهای منطقه خزر از داشتن یک خط لوله محروم شده‌اند و در عوض نفت خود را با کشتی به بندر ذکر شده در روسیه انتقال می‌دهند و در نهایت بندر روسی با تکیه بر مزیت داشتن خصوص انتقال نفت؛ تنها خریدار به صرفه نفت کشورهای منطقه خزر تلقی می‌شود. نتیجه نهایی این که انحصار روسیه در منطقه نفت و گاز خزر حفظ می‌شود. این تلاش‌های روسیه نمای بارزی از تلاش‌های ژئواکونومیک یک کشور در منطقه دریای خزر است (Bryza, 2020).

#### ۳-۴. آمریکا مهار نیروهای متعارض در منطقه خزر

با در نظر گرفتن آنچه از دو روند اصلی ژئواکونومیک در دریای خزر بیان شد؛ و با عنایت به روندهای اصلی سیاست و اقتصاد بین‌المللی می‌توان برای آمریکا در جریان‌های ژئواکونومیک دریای خزر هم نقش قائل شد و نقشی که احتمالاً بازی خواهد کرد را پیش‌بینی کرد. سیاست جهانی آمریکا در دریای خزر براساس اظهارنظر کارشناس بنیاد هریتیج<sup>۲</sup> عبارت است از:

- برقراری ثبات و امنیت در این منطقه برای تضمین تولید و انتقال منابع انرژی؛
- نظارت بر مداخلات انتقال نفت و گاز از راه دریای خزر روسیه و ایران در منطقه؛
- حل تعارضاتی اقتصادی-سیاسی که از دیرباز در منطقه باقی مانده است و منجر به افزایش نفوذ مسکو شده است (Coffey, 2019).

در واقع آمریکا براساس راهبرد جهانی خود در برخورد با ایران به عنوان یک دشمن و در مواجهه با روسیه نیز به عنوان یک رقیب جهانی، در تلاش برای مهار و

1 Rosneft

2 Heritage Foundation

کاهش نفوذ این دو کشور در دریای خزر بوده است. از این رو؛ همانطور که در محورهای بیان شده مکرراً براین نکته تأکید شده؛ که باید آمریکا جلوی قدرت گرفتن ایران و روسیه در دریای خزر را بگیرد. آمریکا حضور نظامی مستقیم در این منطقه جغرافیایی ندارد، لذا می‌توان این مسئله را نتیجه گرفت که بازی اصلی آمریکا در منطقه خزر برآوردی ژئواکونومیکی از تأثیرگذاری‌های ایران، روسیه و چین در منطقه خزر و روش‌های مقابله آمریکا با این سه کشور است. در واقع سه کشور از چهار کشوری که همواره در اسناد امنیت ملی آمریکا از آنها به عنوان دشمن یا رقیب یاد می‌شود در منطقه خزر با هم منفعت مشترک اقتصادی دارند و آمریکا نیز در این منطقه حضور نظامی ندارد. به این دلیل مهم و بسیار اساسی آمریکا رویکردی ژئواکونومیکی را برای محدود کردن دستاورد های اقتصادی این کشورها پیش می‌برد. براین اساس؛ آمریکا در وهله اول به دنبال حضور جدی‌تر در سطح منطقه و حمایت از حل صلح آمیز و سریع موضوع حقوقی مالکیت دریای خزر است تا به واسطه آن سازوکار؛ بتواند از کشورهای کوچک این دریا در مقابل ایران و روسیه محافظت کند. در واقع حل و فصل حقوقی موضوع خزر برای آمریکا این حق را ایجاد می‌کند تا بر مبنای ذکر شده، به مراد و همکاری با شرکای منطقه‌ای خود یعنی آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان بپردازد. این همکاری‌ها در وهله اول می‌تواند هم تأمین انرژی چین به عنوان قدرت جهانی را از متنوع سازی منابع تأمین انرژی بازدارد و یا در سطح حداقلی به خطر بیاندازد و هم پروژه یک کمربند-یک جاده چین را که از طریق دریای خزر از بیشترین پتانسیل اجرایی برخوردار است را با خطر مواجه کند. لذا حضور گسترده‌تر و رژیم حقوقی دریای خزر به آمریکا امکان حضور بلند مدت‌تر و حمایت بیشتر از تلاش‌هایی که می‌تواند به تضعیف امنیت انرژی چین در منطقه دریای خزر کمک کند را می‌دهد. برای مثال حمایت سیاسی آمریکا از تأسیس خط لوله انتقال گاز تاپی (ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، هند) که گاز ترکمنستان را بجای چین به هند برساند یکی از اقدامات ژئواکونومیک آمریکا در مقابله با چین در دریای خزر است (EconomicTimes.indiatimes.com, 2015).

دومین منطقه‌ای که آمریکا تلاش خواهد داشت تا در آن بازی ژئواکونومیک خود را به جریان بیاندازد استفاده از ظرفیت کشورهای این منطقه در خلاف نظرات روسیه است. آمریکا تلاش می‌کند تا کشورهای منطقه خزر را به فاصله گرفتن از سلطه روسیه ترغیب کند و از طریق تشویق کشورهای حاشیه دریای خزر به ایجاد تنوع در بخش اقتصادی خود، هم اقتصاد آن را از محوریت نفت و گاز که آنها را به روسیه



وابسته می‌کند نجات دهند و هم با حمایت سیاسی از طرح‌هایی نظیر ساخت خط لوله گاز طبیعی ترانس-خزر و پروژه کریدور گاز جنوبی انحصار روسیه را در تأمین انرژی اورپا از بین ببرد. یکی از دلایل اهمیت فوق‌العاده ژئواکونومیک خزر برای آمریکا این است که مابین دو منطقه از پر مصرف‌ترین مناطق انرژی دنیا یعنی اروپا و چین قرار دارد. از این‌رو آمریکا تلاش می‌کند از طریق اولاً افزایش ارتبانات با آذربایجان به عنوان یک کشور کلیدی در منطقه خزر؛ ثانیاً حمایت نظامی و امنیتی از متحدان در منطقه خزر که شامل هر سه کشور آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان می‌شود؛ و تشویق اروپا به فاصله گرفتن از ایران برای تأمین منابع انرژی، روسیه را در بازی ژئواکونومیک خزر به حاشیه براند. البته باید خاطر نشان شد که در این راستا، آمریکا در رابطه با رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود در رابطه با روسیه از ابزارهای سیاست جهانی خود نیز بهره خواهد برد. برای مثال شرکت روسی ویتول<sup>۱</sup> و وب‌لینینگ او جی. اس. سی<sup>۲</sup> تانکرهای نفت که در دریای خزر نفت را از ترکمنستان به بندر ماخکچالا می‌برده است در سال ۲۰۱۹ تحت تحریم‌های آمریکا قرار گرفت. همانطور که شرکت روس نفت خریدار اصلی نفت کشورهای منطقه خزر؛ در سال ۲۰۲۰ تحت تحریم‌های جدیدی در منطقه نفت و گاز به بهانه حمایت از مادورو قرار گرفت (Bryza, 2020).

ایران دومین قدرت بزرگ در منطقه خزر است و پایه‌های تاریخی و تمدنی بسیار قوی در کشورهای منطقه خزر داشته است ولی با در نظر گرفتن این نکته که ایران بازی ژئواکونومیک چندان قابل توجهی در منطقه خزر ندارد و اصولاً منابع اصلی نفت و گاز دریای خزر از دسترس ایران خارج هستند؛ آمریکا برنامه انحصاری قابل توجهی برای مقابله ژئواکونومیک با ایران را ندارد. البته این مسئله به مفهوم نداشتن سیاست کلی در خصوص این کشور نیست. آمریکا در منطقه خزر سیاست کلان خود در رابطه با ایران را منزوی کردن اقتصادی ایران و ممانعت از شکل‌گیری و گسترش هم‌مونی ایران در منطقه خزر بنا نهاده است. لذا ایران در سیاست مهار آمریکا در خزر نیز جایگاه خود را داشته و دارد چراکه اصولاً سیاست خزر آمریکا برگرفته از سیاست جهانی این کشور است و در آن راستا تعریف می‌شود (Coffey, 2019).

---

1 Vitol

2 VEB-Leasing OJSC

#### ۴-۴. ایران؛ دروازه آب‌های گرم

می‌توان اشاره کرد حتی اگر بازی ژئواکونومیک که در دریای خزر در حال جریان است چندان برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت نباشد؛ اما برای ایران در این خصوص دو پتانسیل اساسی وجود دارد. اول منابع نفت و گاز دریای خزر در بخش ایرانی این دریا (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۶، ۹۸). دومین مزیت ایران برای ژئواکونومی خزر این است که ایران در واقع پل رسیدن تمام کشورهای منطقه خزر به آب‌های گرم خلیج فارس بوده است. از اولین اثرات این مزیت این است که هم ایران می‌تواند از طریق سایر کشورهای منطقه خزر به روسیه آسیای مرکزی و قفقاز دسترسی داشته باشد و هم این کشورها می‌توانند از طریق ایران به آب‌های گرم دسترسی داشته باشند. احداث بزرگترین خط ریلی که تمام کشورهای دریای خزر از طریق آن می‌توانند به خلیج فارس دسترسی داشته باشند و نیز طرح‌های بزرگراهی که کشورهای آسیای میانه را به دریای عمان متصل می‌کنند همه و همه حاکی از اهمیت ژئواکونومیک ایران در منطقه خزر دارد. این اهمیت زمانی بیش از گذشته خود را به نمایش می‌گذارد که طرح‌هایی مانند فروش نفت ایران از طریق روسیه به اروپا نیز مطرح می‌شود که هم هدف آمریکا از مهار روسیه در خزر را به چالش می‌کشد و هم می‌تواند تحریم‌های آمریکا علیه ایران را به چالش بکشد (alef.ir, 2019).

#### نتیجه‌گیری

در ابتدای پژوهش، تعریف جایگاه ژئواکونومیک و تفاوت آن با نظریات لیبرال، واقع‌گرا و مارکسیستی بیان شد و نتیجه‌گیری این بود که اصولاً ژئواکونومی نوع جدیدی از مراودات بین‌المللی با محوریت دولت‌ها و با ابزار اقتصاد و تجارت است که در آن، بیشینه کردن قدرت ملی هریک از بازیگران فعال در یک منطقه جغرافیایی مشخص مورد پژوهش قرار می‌گیرد. با در نظر گرفتن منطقه خزر به عنوان یک مجموعه جغرافیایی با محوریت دریای خزر؛ به نظر می‌رسد که بتوان روندهای ژئواکونومیک بسیار قدرتمندی را در این منطقه ارزیابی کرد. از این جهت مفهوم روندهای ژئواکونومیک کانون بحث پژوهش قرار گرفته است. در بررسی ژئواکونومی منطقه خزر همه کشورها دارای پتانسیل بازی ژئواکونومی کافی جهت پژوهش

نیستند لذا با محور قرار دادن روندهای ژئواکونومیک؛ هم موضوعات ژئواکونومیک مورد نظر مورد بررسی قرار خواهند گرفت و هم تمام کشورهای دخیل را در بازی ژئواکونومیک خزر لحاظ خواهیم کرد. فرض پژوهش به صورت اساسی بر این اصل بنا شده است که منطقه خزر حداقل در مفهوم ژئواکونومیک آن از تعاریف سنتی فاصله گرفته است و نقشی اساسی‌تر در یک جغرافیای وسیع‌تر را پذیرا شده است. به عبارت دیگر منطقه خزر از جایگاه سنتی خود فاصله گرفته است و اکنون محل نزاع روندهای کلان ژئواکونومیکی جهانی شده است.

براساس یافته‌های پژوهش دو حوزه انرژی و ارتباطات تجاری؛ این جایگاه جدید را برای ژئواکونومی دریای خزر تعریف کرده است. براساس آنچه تاکنون ذکر شد، به نظر می‌رسد که مبنای این نبرد ژئواکونومیک جدید در دریای خزر تا حدود زیادی به دلیل تلاش آمریکا برای حفظ جایگاه برتر جهانی این کشور است. در شرایطی که آمریکا از قدرت جهانی اقتصاد چین احساس خطر می‌کند؛ دولت اوباما در سال ۲۰۰۹ پروژه گذار به شرق را مطرح کرد که هدف آن مهار چین از طریق تقویت حضور نظامی آمریکا، جلوگیری از نفوذ چین در آسیای شرقی و همچنین حذف بازیگری چین در آن منطقه بود (جوزانی و جوزانی، ۱۳۹۷: ۱۳۲). در این چرخش، سیاست کلان آمریکا؛ دو موضوع را هدف قرار می‌دهد اول امنیت تأمین انرژی چین و دوم ارتباطات بین‌المللی چین. چین در پاسخ به سیاست آمریکا؛ ابتکار یک کمربند یک جاده و سیاست متنوع سازی منابع تأمین انرژی را در پیش گرفت. در ابتکار یک کمربند یک جاده تلاش شد تا راه و مسیر چینی ارتباطات تجاری بین این کشور و اروپا ایجاد شود. بنابراین منطقه آسیای میانه و متعاقب آن؛ دریای خزر برای چین کلیدی شد. مسیر دریای خزر که از کشورهای ترکمنستان و قزاقستان به آذربایجان مربوط می‌شوند؛ نه مانند ایران تحت تحریم‌های آمریکا هستند و نه مانند روسیه ملاحظاتی روابط قدرت‌های بزرگ را در خود جای داده‌اند. بنابراین به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مسیرهای تجاری راه ابریشم جدید چین مطرح شده‌اند و ارزش بسیار بالایی به دریای خزر داده‌اند. از طرف دیگر با کشف منابع انرژی در دریای خزر، چین تمایل خود را برای تأمین انرژی از کشورهای قزاقستان و ترکمنستان به نمایش گذارد تا از وابستگی بسیار زیاد خود به منابع نفتی خاورمیانه که به نظر چین تحت کنترل مؤثر آمریکا قرار دارد بکاهد. بنابراین براساس یافته‌های پژوهش؛ بازخورد سیاست گذار به شرق آمریکا؛ توجه چین به محیط پیرامون خود و اهمیت یافتن ژئواکونومیکی دریای خزر بوده است.

براساس سیاست‌هایی که دولت آمریکا در محدود سازی روسیه پس از فروپاشی شوروی درپیش گرفت؛ تمرکز بر اهداف اقتصادی در روسیه و تضعیف آنها؛ از مهمترین سیاست‌های دهه اخیر آمریکا بوده است. درواقع دولتمردان آمریکا با تلاش برای از بین بردن هژمونی اقتصادی روسیه که به صورت عمده در حوزه انرژی تعریف می‌شود؛ دریافتند که علاوه بر تحریم‌های اقتصادی باید انحصار تأمین انرژی روسیه را در حوزه‌های گازی و نفتی، در بخش بزرگی از اروپا از بین ببرند یا حداقل از آن بکاهند. در واقع مواجهه کلان آمریکا با روسیه در حوزه اقتصادی در حال رقم خوردن است و نه حوزه نظامی. بنابراین از بین بردن مزیت روسیه در موضوع انرژی؛ محوری کلیدی سیاست خارجی آمریکا در خصوص روسیه است. در واقع در سیاست آمریکا برای روسیه در کنار تحریم بخش اقتصاد روسیه، باید از نقش تأمین کنندگی انرژی این کشور برای اروپا و ترکیه؛ انحصار زدایی شود. اینجاست که دریای خزر هم از جهت کشف منابع نفتی و گازی و هم از جهت از بین بردن موقعیت محوری روسیه در انتقال انرژی به اروپا از اهمیت ژئواکونومیک برخوردار خواهد بود. پیام نوروزی ترامپ به کشورهای ترکمنستان و آذربایجان و اشاره به خط لوله ترانس-خزر در کنار تحریم شرکت‌ها روس نفت، ویتول و شرکت او. جی. اس. سی می‌تواند جدی‌تر شدن این رقابت ژئواکونومیک در منطقه خزر را نمایش بگذارد.

در خصوص ایران نیز؛ وضع بی‌سابقه‌ترین تحریم‌های اقتصادی تاریخ، موجب شده است تا این کشور در شرایطی که کمپانی‌های نفتی غربی در منطقه خزر برای همسایگان آن از مخازن مشترک برداشت می‌کنند؛ این کشور در موضع انفعال قرارگیرد. برای آمریکا؛ نقش ایران در ژئواکونومی خزر یک نقش پیوندی است که در آن می‌تواند خلیج فارس را به دریای خزر پیوند بزند. در نتیجه تلاش آمریکا این است تا مانع قدرت‌گیری اقتصادی ایران به عنوان یک قدرت مهم مخالف آمریکا در منطقه خزر باشد. درواقع آمریکا محوریت تلاش خود را ممانعت از ورود جدی ایران به ژئواکونومی خزر قرار داده است.

## منابع

### فارسی

- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز، پیرانخو، سحر (۱۳۹۶)، «جاده ابریشم نوین به مثابه راهبرد سیاست خارجی چین: فرصت‌ها و تهدیدها برای ایران». فصلنامه روابط خارجی، دوره ۹، شماره ۳، صص ۷-۴۲.
- دادان‌دیش، پروین (۱۳۸۶)، «گفتمان ژئوپلیتیک در آسیای مرکزی: عرصه‌های تعامل ایران و روسیه». فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۳، شماره ۷، صص ۷۵-۹۶.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۶)، «علایق ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش‌رو». فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۳، شماره ۹، صص ۷۸-۱۱۹.
- جوزانی کهن، شایان، جوزانی کهن، شاهین (۱۳۹۷)، «بررسی مقایسه‌ای رویکرد سیاست خارجی آمریکا در دوران اوباما و ترامپ در منطقه آسیای شرقی». فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۰، شماره ۳، صص ۱۲۵-۱۵۲.
- خلیلی، محسن و همکاران (۱۳۹۰)، «بایستگی‌های ژئواکونومیک توسعه منطقه جنوب شرق ایران». فصلنامه روابط خارجی، دوره ۳، شماره ۴، صص ۸۱-۱۲۴.
- قادری، مصطفی و حمیدرضا نصرتی (۱۳۹۱)، «اهداف ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی». فصلنامه ژئوپلیتیک ایران، دوره ۸، شماره ۲۶، صص ۶۳-۹۵.
- طباطبایی، سیدمحمد و سیدمحمدحسین حسینی (۱۳۹۸)، «تبیین ژئواستراتژی بازیگران مداخله‌گر و پیرامونی حوزه خزر و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه روابط خارجی، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۱۱۳-۱۴۱.

## انگلیسی

- Asgarkhani, Abumohammad, Ghahramnai, Mohammad Javad, Ghaderi Hajat, Mostafa (2019) “Geo-economic Analysis of China’s Foreign Policy”, *Geopolitics Quarterly*, Volume: 14, No 4, Pp. 209-233. (in Persian)
- Copeland, Dale C (2012) “Realism and Neorealism in the Study of Regional Conflict”, Pp.49-74. In: Paul, T.V (2012) **International Relations Theory and Regional Transformation**. New York: Cambridge University Press.
- Ikenberry, G. John, Mastanduno, Michael, Wohlforth, William (2009) “Introduction: Unipolarity, State behavior, and systemic consequences”. *World Politics*, Vol 61. No1, pp.1-27.
- Luttwak, Edward, (1990) “From geopolitics to geo-economics,” *The National Interest*, Summer, 1990, pp. 17—24. Reprinted in *The New Shape of World Politics* (New York: Norton, 1999), pp. 177—186. Here p. 177
- Essex, James, (2013), **Development, Security, and Aid: Geopolitics and Geoeconomics at the U.S. Agency for International Development**. Athens: University of Georgia Press
- [iea.org](https://www.iea.org/countries/china), (2020) “China”, Available at: <https://www.iea.org/countries/china>,
- Leverett, Flynt and Bader, Jeffrey, (2005) “Managing China-U.S. Energy Competition in the Middle East”, *The Washington Quarterly* • 29:1 pp. 187–201.
- *The Diplomat*, (2017), Available at: <https://thediplomat.com/2017/01/deconstructing-chinas-energy-security-strategy/>
- [dw.com](https://p.dw.com/p/19cC7), (2013), Available at: <https://www.dw.com/...https://p.dw.com/p/19cC7>
- , Dovdanov Dovletgeldi; Zhen Dao Wen, (2019), “Research on Energy Trade Between China and Turkmenistan”, Available at: <https://zenodo.org/record/3268238>
- Yun, Sun (2013), “March West: China’s Response to the U.S. Rebalancing”, Available at: <https://www.brookings.edu/blog/up-front/2013/01/31/march-west-chinas-response-to-the-u-s-rebalancing/>, (Accessed on: 20/10/2017).

- Lin, Christina (2017), “The Belt and Road and China’s Long-Term Visions in the Middle East”, **ISPSW**, No. 512, pp. 1-10.
- Gabuev, Alexander (2017), “Bigger, not Better: Russia Makes the SCO a Useless Club”, Available at: <https://carnegie.ru/commentary/71350>, (Accessed on: 20/9/2018).
- Xi, Jinping (2017), “Upholding Solidarity, Coordination, Openness and Inclusiveness Building a Common Home of Security, Stability, Development and Prosperity”, **China Daily**, Available at: [http://www.chinadaily.com.cn/world/2017xivisitskazakhstan/2017-06/09/content\\_29691652.htm](http://www.chinadaily.com.cn/world/2017xivisitskazakhstan/2017-06/09/content_29691652.htm), (Accessed on: 1/8/2018).
- Olesya Astakhova, Vladimir Soldatkin, (2020) “New gas pipeline could heat up Azeri-Russian rivalry” Available at: <https://www.reuters.com/article/azerbaijan-russia-gas/new-gas-pipeline-could-heat-up-azeri-russian-rivalry-idUKL8N2GT23Z>
- Coffey, Luke,(2020), “Time for a U.S. Strategy in the Caspian”, Available at: <https://www.heritage.org/europe/report/time-us-strategy-the-caspian>
- by Bryza, Matthew, “The Greater Caspian region: A new Silk Road, with or without a new belt Long Take “ (2020) “, at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/the-greater-caspian-region-a-new-silk-road-with-or-without-a-new-belt/>
- [economictimes.indiatimes.com](https://economictimes.indiatimes.com), (2015) “US welcomes ground-breaking of TAPI pipeline” at: <https://economictimes.indiatimes.com/industry/energy/oil-gas/us-welcomes-ground-breaking-of-tapi-pipeline/articleshow/50197528.cms?from=mdr>
- Alef, (1391), “Russia and Iran Oil sales”, Available, at: <https://www.alef.ir/news/3980628156.html>
- Luttwak, E,1990, "From geopolitics to geo economics: logic of conflict, grammar of commerce", **The National Interest**, No. 20